خبر

چالش حذف کدهای ussd

● **ایسنا:** یک کارشناس حوزه بانکداری الکترونیک با اشاره به وضع محدودیت‌های جدید برای فعالیت‌های مرتبط با یواس‌اس‌دی‌ها، این فناوری را مربوط به دوران گذار بانکداری الکترونیک توصیف کرد که حالا زمان آنها به سر آمده است. ایمان اسلامیان گفت: برخی از کشورها حتی به خاطر سرعت بالای اینترنت و اقتصاد دیجیتالی خود اساسا تجربه یواس‌اس‌دی‌ها را از سر نگذرانده‌اند؛ چراکه این فناوری ضعف‌های امنیتی جدی را در خود دارد. سیاست بانک مرکزی از همان ابتدا محدود کردن خدمات مربوط به یواس‌اس‌دی بوده است. به‌تازگی رمضانعلی سبحانی‌فر، رئیس کمیته مخابرات مجلس، با اشاره به قطع سرویس یواس‌اس‌دی شارژ اعتباری اپراتورهای همراه از ۱۵ بهمن، گفته است: چنین ایده‌ای که میلیون‌ها نفر از مالکان سیم‌کارت‌های اعتباری را در اپراتورهای همراه اول، ایرانسل و رایتل درگیر می‌کند، باید با تدبیر بیشتری انجام شود و تا وقتی که سرویس یا سرویس‌های جایگزین بهتری ارائه نشود، نباید سرویس یواس‌اس‌دی قطع شود. در سوی مقابل مدیرکل روابط‌عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، گفت با توجه به اینکه اجرای فوری این بخش‌نامه (قطع سرویس یواس‌اس‌دی) می‌تواند در روند کاری و زندگی مردم اختلال ایجاد کند، ظاهرا قرار شده این بخش‌نامه تا چهار ماه به حالت تعلیق درآید.

ادامه از صفحه اول

مردی برای وفاق

عزت نفس، گذشت و وسعت نظر از او مدیری توانمند ساخته بود. نگارش شاهنامه طهماسبی در سال ۹۲۸ هجری قمری آغاز شد. دو سال بعد شاه اسماعیل از دنیا رفت و شاه طهماسب که نوجوانی ۱۱ساله بود بر تخت سلطنت نشست. در سال ۹۴۸ نگارش این اثر هنری به پایان رسید. در آن زمان سلطان سلیم اول، سلطان عثمانی از دنیا رفت و فرزندش سلطان سلیم دوم به حکومت رسید. در آن زمان هیئتی ۴۰۰نفره از ایران هدایایی به بارگاه او بردند که شاهنامه طهماسبی یکی از آنها محسوب می‌شد. این شاهنامه تا اواخر حکومت عثمانی در خاک این کشور باقی ماند اما در دوره ضعف این حکومت، این کتاب نیز جابه‌جا شد و در اوایل قرن ۲۰ در اختیار یک فرانسوی قرار گرفت. پس از مرگ این فرانسوی، وارثان او شاهنامه را به هوتون که یک ثروتمند آمریکایی و رئیس موزه متروپولیتن نیویورک بود، فروختند. مالک جدید شاهنامه ابتدا به بهانه عکس‌برداری و در واقع برای فرار از مالیات، این اثر هنری را ورق ورق کرد و ۷۸ برگ آن را به موزه متروپولیتن اهدا کرد و بخش دیگری از اوراق را در حراجی‌ها به فروش رساند. ۱۱۸ برگ شاهنامه در اختیار هوتون باقی مانده بود. پیش از انقلاب‌اسلامی تلاش‌هایی برای پس‌گرفتن آن انجام شد اما به نتیجه نرسید. مرحوم دکتر حسن حبیبی در جایگاه معاون‌اول، مذاکراتی با وارثان هوتون انجام داد و در نهایت ۱۱۸ برگ شاهنامه به ایران رسید. او این اثر را با تعدادی تابلوی دربار ایران که بعد از انقلاب قابل استفاده نبود، تهاتر کرد. ایجاد بنیاد ایران‌شناسی نیز از فعالیت‌های ماندگار این چهره فرهنگ‌دوست ایران بود. او با دشواری بسیار تعدادی نقاش قهوه‌خانه‌ای را سازماندهی کرد و تصاویر و تابلوهای ساختمان ایران‌شناسی با نظارت ایشان ترسیم شد. به معنای واقعی کلمه هیچ‌گاه از امکانات دولتی برای خود استفاده نکرد. در مراسم ترحیم مادر خود، اجازه حضور ماشین‌های دولتی را برای فعالیت‌های مرسوم نداد و حتی برای جابه‌جایی میهمانان از اتوبوس‌هایی که کرایه کرده بود، استفاده کرد. جای چنین مدیرانی، همواره در سیستم مدیریتی کشور ما خالی است.

(آگهی مزایده اجاره ۲۴ متر مربع از ضلع شرقی پارک تفتان)

نوبت اول

شهرداری خاش به استناد مصوبه شماره ۱۱ مورخ ۲۰/۹/۹۶ شورای محترم اسلامی شهر خاش در نظر دارد نسبت به واگذاری ۲۴ متر مربع از ضلع شرقی پارک تفتان را از طریق مزایده عمومی با شرایط ذیل به صورت اجاره جهت راه اندازی نمایشگاه گل و گیاه به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار نماید . لذا از کلیه متقاضیان درخواست می شود ضمن بازدید از مکان مورد نظر و شرایط مربوطه قیمت پیشنهادی اجاره ماهیانه خود را در پاکات سربسته الف ،ب،ج به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت نمایند.

۱. سپرده نفرات اول تا سوم برندگان در صورت انصراف از عقد قرارداد به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۲. آخرین مهلت جهت شرکت در مزایده حداکثر ده روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم مزایده می باشد.

۳. شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۴. به پیشنهادات مخدوش و مشروط و فاقد فیش واریزی سپرده در مزایده و اسناد و مدارک تحویلی مزایده و همچنین پیشنهاداتی که پس از اتمام مهلت تعیین شده برسند ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵. متقاضیان شرکت در مزایده به منظور کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و مدارک و بازدید از مورد مزایده می توانند همه روزه در وقت اداری تا ده روز بعد از انتشار آگهی نوبت دوم به شهرداری مراجعه نمایند.

شهرداری خاش

رئیس پیشین سازمان امور مالیاتی در گفت‌وگو با «شرق» از ماجرای یک پرونده پرده برداشت

فرار مالیاتی ۲۳۰۰ میلیارد تومانی یک فعال پتروشیمی

فرد متخلف با نامه‌نگاری با مسئولان صاحب نفوذ سعی در ابطال پرونده مالیاتی خود داشت

شرق: «مرده‌ای که ارز خریدوفروش می‌کرد». این را رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور برای اولین‌بار مطرح می‌کند. ماجرا به پرونده‌ای برمی‌گردد که در نوع خود بی‌نظیر است و از آتش‌زدن پرونده مالیاتی تا خریدوفروش ارز با شناسنامه یک فرد فوت‌شده در آن می‌گنجد. این تنها گفته‌های این مقام مسئول نیست. رئیس‌کل پیشین سازمان امور مالیاتی هم در گفت‌وگو با «شرق» از ماجرای یک پرونده فرار مالیاتی دوهزارو ۳۰۰ میلیارد تومانی یک فعال پتروشیمی پرده برداشت. این فرد که چند کارخانه خریدوفروش مواد پتروشیمی داشت، با نام همسر و فرزندانش، در این عرصه فعالیت می‌کرد تا از پرداخت مالیات معاف شود و پس از تشکیل پرونده، به برخی از مسئولان صاحب‌نفوذ نامه نوشت که: «این سازمان مرغ تخم‌طلا را سر برید!».

ماجرای آتش‌زدن پرونده مالیاتی خانواده‌ای با ۲۰ صرافی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی نیز در یک برنامه خبری به ماجرای فشارهای عده‌ای صاحب‌نفوذ اشاره کرده که به سازمان مالیاتی برای بررسی‌نشدن حساب‌های بانکی فشار می‌آورند. سیدکامل تقوی‌نژاد روایت می‌کند که هرگاه موضوع بررسی حساب‌های بانکی برای ستاندن مالیات عادلانه و حقه اقدام می‌کند، فشارها افزایش یافته و مانند تله‌ای انفجاری پشت دیوارهای بتنی عمل می‌کند. تقوی‌نژاد در برنامه تلویزیونی «متن، حاشیه» برای اولین‌بار افشا کرد که در استان خوزستان هفت شرکت را پیدا کردیم که در تهران و خوزستان ۳۰ هزار خودرو وارد کردند و ۷۶۰ میلیارد تومان فرار مالیاتی داشتند. رئیس کل سازمان مالیاتی به بررسی تراکنش‌های بانکی پرداخت و گفت: سه‌هزارو ۴۹ مؤدی براساس حساب‌های بانکی شناسایی و شش‌هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان از آنها مطالبه کردیم. او با تاکید بر اینکه سازمان امور مالیاتی در رابطه با بررسی حساب‌های بانکی تحت فشار شدید است و عده‌ای صاحب‌نفوذ تلاش می‌کنند ما را منصرف کنند، گفت: خانواده‌ای را شناسایی کرده‌ایم که نزدیک به ۲۰ شرکت صرافی داشت که آن را اعمال ماده ۱۸۱ قانون کردیم.

تقوی‌نژاد به تشریح جزئیات و ابعاد این پرونده بزرگ پرداخت و افزود: فرایند کار به‌گونه‌ای بود که پرونده‌های این موضوع را مخفی کرده بودند و حتی پس از آنکه متوجه شدند همکاران ما و نیروی انتظامی برای گرفتن این پرونده‌ها آمده‌اند، اقدام به آتش‌زدن این پرونده‌ها کردند، در همین حین هنگام خاموش‌کردن، پرونده‌ها در دست کارمندان ما سوخت.

مرده‌ای که ارز خریدوفروش می‌کرد

او به مرده‌ای اشاره کرد که دو سال پس از مرگش هم ارز خریدوفروش می‌کرد و گفت: این شخص کسی بود که سال ۹۲ فوت کرده است، اما در سامانه‌های رسمی، سال ۹۴ با اسمش ارز خریدوفروش شد.

تقوی‌نژاد با بیان اینکه هم‌اکنون ۲۰ درصد مؤدیان کشور حدود یک درصد مالیات کشور را تأمین می‌کنند، گفت: در سال‌های اخیر، تلاش کرده‌ایم از فشار مالیاتی بر اصناف و مشاغلی که در تور مالیاتی هستند و حساب و کتاب شفاف دارند، بکاهیم و به جای آن سیاست مبارزه با فرار مالیاتی را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهیم.

پیش‌تر نیز احمد میدری معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از شناسایی ۳۰۰ هزار خانوار ثروتمند براساس پایگاه‌های اطلاعاتی خبر داد که هیچ‌کدام پرونده مالیاتی نداشتند.

ماجرا از آن قرار است که وقتی نظام مالیاتی کشور به گردش حساب‌های بانکی دسترسی ندارد، برخی از فعالان اقتصادی حقیقی و حقوقی با استفاده از این امکان، با حساب‌های افراد دیگر به فعالیت‌های اقتصادی پرداخته و از زیر بار پرداخت مالیات می‌گریزند. آنچه رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور بیان کرده هم از این دست است. پاشنه‌آشیل نظام اقتصادی و مالیاتی کشور عدم شفافیت و عدالت در بخش مالیات، معاملات و تمامی فرایندهای حاکم بر آن است. نظام مالیاتی سال‌هاست که از نبود اطلاعات دقیق هویتی، عملکردی، پولی، مالی، اسنادی، ملکی و سایر اطلاعات موردنیاز برای شناسایی مؤدیان و ستاندن مالیات حقه رنج می‌برد و قانون مالیات‌های مستقیم نیز بر تشکیل پایگاه‌های اطلاعات مذکور تاکید دارد.

پرونده فرار مالیاتی ۲۳۰۰ میلیارد تومانی

علی عسکری، رئیس پیشین سازمان امور مالیاتی نیز در گفت‌وگو با «شرق» از پرونده‌ای می‌گوید که در دوران حضور او در این سازمان تشکیل شد و از سوی این فرد فشارهای زیادی به سازمان امور مالیاتی کشور وارد آمد. عسکری دراین‌باره می‌گوید: در دوره‌ای که در سازمان حضور داشتم، به اطلاعات حساب فردی دست یافته بودیم که دوهزارو ۳۰۰ میلیارد تومان گردش فعالیت اقتصادی به نام همسر و فرزندانش داشت و وقتی مالیات تشخیص دادیم، به مقامات کشور نامه نوشت که این سازمان مرغ تخم‌طلا را سر برید!

او می‌افزاید: این فرد در یکی از استان‌ها در عرصه خریدوفروش مواد پتروشیمی فعالیت می‌کرد و چند کارخانه هم داشت.

به گفته او، با وجود فشاری که این فرد به سازمان آورد، پرونده مالیاتی او تشکیل شد و ما کوتاه نیامدیم. این موارد، مواردی است که نظام مالیاتی به راحتی نمی‌تواند کوتاه بیاید. بحث یک یا دو ریال نیست و نظام مالیاتی خود را متعهد می‌داند در هر زمانی به چنین پرونده‌هایی دست یابد، آن را پیگیری کند؛ حتی اگر تحت فشار قرار بگیرد.

عسکری همچنین اعلام کرد در دوره قبل، پرونده‌هایی به‌مراتب بزرگ‌تر از این میزان نیز وجود داشت که البته از بیان جزئیات بیشتر در این زمینه خودداری کرد.

رئیس‌کل پیشین سازمان امور مالیاتی کشور در این گفت‌وگو با بیان اینکه رویکرد این سازمان بر شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است، تصریح کرد: تا زمانی که شفافیت فعالیت‌های اقتصادی در کشور مشخص نشود و گردش و تبادل اطلاعات در اقتصاد صورت نگیرد، بسیاری افراد به انحای مختلف از تور مالیات فرار می‌کنند. خوشبختانه قانونی در آن زمان به تصویب مجلس رسید که مطابق آن سازمان امور مالیاتی، پایگاهی را در اختیار دارد که اطلاعات لازم را که در چارچوب قانون مشخص شده، در این پایگاه جمع‌آوری کرده و به‌این‌ترتیب به شناسایی مؤدیان می‌پردازد. افرادی که تاکنون حتی پرونده مالیاتی نداشتند، اما با این امکان، دست‌شان رو می‌شود.

به گفته او، خیلی از فعالان اقتصادی هستند که هنوز هم به نام دیگران فعالیت اقتصادی می‌کنند. این فعالیت‌ها با اینکه نام‌ونشان دارند، اما به نام فعال اصلی نیستند.

حضور عمده فراریان مالی در واسطه‌گری

او با بیان اینکه بسیاری از بخش‌های واسطه‌گری اقتصاد، فعالیت خود را به نام حقیقی و واقعی خود انجام نمی‌دهند، می‌گوید: این افراد در بخش‌های واسط اقتصاد یعنی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده حضور دارند. صرافی‌ها هم از همین جنس هستند.

عسکری با اشاره به اینکه فرار مالیاتی در بین هر دو طیف حقیقی و حقوقی وجود دارد، می‌افزاید: این دو دسته اغلب اجازه بازرسی حساب‌های بانکی خود را به سازمان امور مالیاتی نمی‌دهند. این افراد فعالیت‌های گسترده‌ای دارند و فعالیت آنها ممکن است در حساب دیگران گردش کند.

با افشای اطلاعات حساب‌های بانکی دست بسیاری رو می‌شود

عسکری با اشاره به اینکه در صورت افشای این اطلاعات می‌توان به متخلف اصلی دست یافت، تصریح می‌کند: اگر اطلاعات حساب‌های بانکی افشا شود و در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار بگیرد، اگر فردی به نام دیگران گردش مالی داشته باشد، می‌توان به سراغ او رفت. بنابراین او مجبور است یا از نوع فعالیت خود بگوید یا اطلاعات فردی را که صاحب فعالیت است، در اختیار سازمان قرار دهد. بنابراین بسیاری از کسانی که امروز غیرشفاف عمل کرده‌اند، به‌صورت اجتناب‌ناپذیر وقتی گردش مالی افشا شود، دستشان رو می‌شود و نمی‌توانند به هیچ عنوان فرار کنند. بنابراین به انحای مختلف به سازمان امور مالیاتی فشار می‌آورند که دسترسی به حساب‌های بانکی نداشته باشیم.

بهانه‌جویی بی‌معنی است

به گفته او، ممکن است هنوز مقاومت‌هایی برای بازرسی حساب‌های بانکی وجود داشته باشد، اما هیچ دلیل منطقی ندارد. نظام مالیاتی محرم اطلاعات همه مؤدیان است و هیچ‌زمانی اطلاعات را افشا نکرده و نخواهد کرد. بنابراین بهانه‌جویی در قالب اینکه اطلاعات محرمانه، شخصی و خصوصی است و... بهانه‌های واهی است که به هیچ‌عنوان نباید به آنها توجه کرد.

فولاد و پتروشیمی، صنایع مادر بنگاه‌های خارجی!

احسان سلطانی . کارشناس اقتصادی

در ایران صنایع بزرگ بالادستی (عمدتا پتروشیمی و فولاد) با حدود ۱۵۰ هزار نفر کارکن، کمتر از پنج درصد از اشتغال بخش صنعت-ساخت و هفت‌دهم درصد از کل اشتغال کشور را بر عهده دارند. این صنایع در زمره رشته‌های صنعتی با سرمایه‌بری بالا (Capital-Intensive) و غیرکاربر (غیر اشتغال‌زا) به شمار می‌روند. ایجاد اشتغال در صنایع پایین‌دستی ارتباط مستقیمی با فعالیت صنایع بالادستی ندارد، مگر اینکه از نظر قیمت، کیفیت و نحوه تأمین و همچنین وجود مشارکت و همکاری در طول زنجیره‌های ارزش صنعتی (Supply Chain Partnership)، شرایط ترجیحی و مزیت‌های رقابتی مشهود و نامشهود به نفع صنایع پایین‌دستی و مصرف‌کنندگان وجود داشته باشد. در سه دهه اخیر، پشتیبانی همه‌جانبه دولت‌ها با حضور، دست‌کاری و دخالت گسترده در فضای فعالیت و رقابت اقتصادی، ضمن آنکه موجب شده صنایع بزرگ بالادستی از رشد سریعی برخوردار شوند، از سوی دیگر فعالیت صنایع پایین‌دستی اشتغال‌زا (Labour-Intensive) را تضعیف و تحدید کرده است. به‌طورکلی این بنگاه‌ها با فروش داخلی به بهای گران و از سوی دیگر صادرات با بهای ارزان، به جای اینکه نقش صنایع مادر بنگاه‌های تولیدی پایین‌دستی داخلی را ایفا کنند، به صنایع مادر بنگاه‌های تولیدی خارجی بدل شده‌اند. بسیاری از این بنگاه‌ها با فروش داخلی به بهای گران، در واقع از صنایع پایین‌دستی داخلی مالیات گرفته و از سوی دیگر با ارزان‌فروشی صادراتی، از محل درآمد گران‌فروشی داخلی به صنایع خارجی یارانه می‌دهند. در شرایطی که فلسفه وجودی توسعه صنایع بزرگ بالادستی که اصولا منابع‌بر (Resource-Base) و سرمایه‌بر بوده و با ایجاد ارزش‌افزوده پایین (در مقایسه با صنایع پایین‌دستی) و آلایندگی محیط زیست بالا، در اصل حمایت از توسعه صنایع پایین‌دستی اشتغال‌زا و با ارزش‌افزوده بالا محسوب می‌شود، مشخص نیست که چرا با وجود عدم تکمیل حلقه‌های صنایع پایین‌دستی، همچنان محور توسعه صنعتی کشور حول صنایع بالادستی استوار است.

زنجیره عرضه (Supply Chain) صنعت فولاد برخلاف آنچه توسط بعضی دست‌اندرکاران ارائه و تاکید می‌شود، از استخراج سنگ آهن تا مصرف‌کننده نهایی و همچنین حلقه‌های صنایع پایین‌دستی مانند صنایع فلزی، ماشین‌سازی، لوازم خانگی و خودرو و بخش ساختمان را نیز دربر می‌گیرد. در این زنجیره هدف از توسعه صنایع بالادستی تولیدکننده آهن و فولاد، تأمین مواد اولیه صنایع پایین‌دستی داخلی با کیفیت، شرایط فروش و قیمت‌های رقابتی و ترجیحی است، زیرا از منظر اقتصاد ملی، آنچه ایجادکننده اشتغال و ارزش‌افزوده با سرمایه‌گذاری پایین و تقویت‌کننده حضور مردم و بخش خصوصی است، صنایع پایین‌دستی است.

در مجموع زنجیره عرضه فولاد، جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها به انحراف کشیده شده است. تمرکز حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دستگاه اجرائی ذی‌ربط (وزارت صنعت، معدن و تجارت) فقط به توسعه صنایع بالادستی معطوف شده و صنایع پایین‌دستی در این میان جایگاهی ندارند. در نتیجه ایران صادرکننده آهن و فولاد خام و از سوی دیگر واردکننده انواع محصولات نهایی مصرفی شده است. عوامل و دلایل زیادی برای این انحراف توسعه‌ای وجود دارد که اهم آن عبارت‌اند از:

(۱) سیاست‌گذاری‌های راهبردی و اقدامات دولت.

(۲) اعطای انواع رانت‌ها و به‌خصوص رانت گسترده انرژی و منابع در صنایع بالادستی و عدم توزیع متناسب و متوازن آن در کل زنجیره عرضه فولاد کشور.

(۳) لابی‌های قدرتمند ذی‌نفعان در سطوح و لایه‌های اجرائی، قانون‌گذاری و رسانه‌ای.

(۴) فشارهای متنوع هزینه‌ای و اعمال تضییق و محدودیت بر فعالیت صنایع پایین‌دستی (مالیات شرکتی و ارزش‌افزوده، رشد بالای دستمزد نیروی کار، مالیات حق بیمه، هزینه سرمایه و موارد دیگر) و مهم‌تر از همه جبران زیان کارآمدی و کارایی پایین و ارزان‌فروشی صادراتی تولیدکنندگان فولاد با اجبار به خرید مواد اولیه داخلی به بهای گران (از طریق وضع تعرفه‌های وارداتی بالا).

سیاست‌گذاری‌های راهبردی و اقدامات وزارت صنعت، معدن و تجارت در بخش تولید فولاد، بیش از آنکه متضمن رقابتی‌سازی و توسعه پایدار این صنعت باشد، در جهت توزیع منافع و رانت‌ها بین ذی‌نفعان تنظیم شده و عمل می‌کند. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، فقط توسط بانک صنعت و معدن ۱۳ طرح فولاد در ۱۱ استان کشور با هزینه ارزی سه میلیارد دلار مصوب شد و با تأمین مالی این بانک به مرحله اجرا یا بهره‌برداری رسید که منابع ارزی آن از محل صندوق توسعه ملی و خط اعتباری چین تأمین شد. در همین شرایط، با این سرمایه‌گذاری سرانه بالا، در اغلب این استان‌ها امکان توسعه صنایع اشتغال‌زا با سرمایه‌گذاری به مراتب پایین‌تر وجود داشت. تأمین منابع ارزی از خط اعتباری چین نشان می‌دهد که این سرمایه‌گذاری‌ها با ماشین‌آلات و فناوری‌های درجه دو یا سه وارداتی از چین انجام شده که قطعا از بهره‌وری انرژی پایینی برخوردار هستند. کل سرمایه‌گذاری این طرح‌ها بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد ریال و هزینه ایجاد شغل برای هر نفر ۲۵ میلیارد ریال برآورد می‌شود. در استان‌های محرومی مانند سیستان‌وبلوچستان و خراسان جنوبی نه‌تنها زیرساخت‌های صنعتی لازم برای ایجاد صنعت فولاد وجود ندارد که از سوی دیگر با این هزینه بالای ایجاد اشتغال، در بخش‌های دیگر امکان ایجاد اشتغال به میزان حداقل ۱۰ برابر بود. از منظر اقتصاد صنعتی برای صنایع تولیدکننده-محور (Producer-Driven) مانند تولید فولاد که نظر به لزوم انباشت سرمایه و فناوری، در آن اقتصاد مقیاس (Economies of Scale) دارای اهمیت کلیدی است، این روش توسعه، بدترین مسیر و روش ممکن و متضمن اتلاف منابع و فرصت‌هاست. این واحدهای کوچک و متوسط غیررقابتی در آینده با اتلاف منابع، باری گران بر دوش اقتصاد کشور خواهند بود. فعالیت این واحدهای غیراقتصادی علاوه بر اینکه در آینده روند رانت‌جویی صنعت فولاد را استمرار خواهد بخشید، موجب خواهد شد با ایجاد لابی، تعرفه‌های وارداتی بالا نیز درخواست شود. در نتیجه، مانند وضعیت کنونی، زیان اقتصادی ناکارآمدی و عملکرد ضعیف آنها به صنایع پایین‌دستی منتقل خواهد شد. بنابراین توسعه این واحدها علاوه بر زیان کلی برای اقتصاد، ضد توسعه صنایع پایین‌دستی عمل خواهد کرد. در مقایسه با وضعیت کنونی ایران، چنان‌چه وضعیت کشور چین که بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد جهان است، ملاحظه شود، چهار راهبرد اصلی در توسعه صنایع فولاد این کشور مدنظر بوده است.

۱- توسعه صنعت فولاد در نوار متمرکز ساحلی شرقی چین که در نتیجه با ایجاد خوشه‌های صنعت فولاد، رقابتی‌سازی، بهره‌وری و اقتصاد مقیاس در این صنعت ارتقا داده شده است.

۲- توسعه صنعت فولاد در مناطق ساحلی که با کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، این موضوع برای واردات مواد اولیه و صادرات اهمیت کلیدی دارد.

۳- ایجاد بیش از ۱۰ واحد بزرگ که موجب می‌شود ضمن صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس، یک کارتل بزرگ ایجاد انحصار نکند و رقابت بین واحدها برای کیفیت و قیمت بهتر صورت گیرد.

۴- توسعه متوازن و متناسب صنایع پایین‌دستی اشتغال‌زا و ایجادکننده درآمد ملی بالا.

در توسعه صنایع فولاد ایران، هیچ‌یک از ملاحظات کلیدی یادشده مدنظر دولت و سیاست‌گذاران قرار نگرفته است. توزیع پراکنده و متفرق واحدهای صنعتی فولاد در سطح کشور و ایجادنشدن خوشه صنعت فولاد در مناطق بامزیت، یکی از مهم‌ترین معضلات و چالش‌های صنعت فولاد کشور بوده و خواهد بود. صنایع فولاد ایران در مناطق ساحلی که به منابع انرژی نزدیک هستند و از سوی دیگر هزینه حمل صادراتی را پایین می‌آورند، مستقر نشده‌اند. تمرکز بخش عمده تولید فولاد در اصفهان، ضمن آنکه منابع زیست‌محیطی این شهر تاریخی را دچار مخاطره کرده است، هزینه حمل مواد اولیه به این شهر را نیز از جنوب به شمال و مجددا هزینه حمل مواد اولیه از شمال به جنوب (برای صادرات) به همراه دارد و انرژی نیز باید از جنوب غرب کشور تأمین شود. در مجموع، در تأسیس واحدهای فولادی کشور، بیش از هر چیز قدرت ذی‌نفعان و لابی‌های سیاسی تأثیرگذار بوده است تا منطق توسعه اقتصادی. ایجاد یک واحد بزرگ در محلی نامناسب که منجر به ایجاد انحصار و تشکیل یک کارتل صنعتی شده است، از عوامل مهم توسعه صنعت فولاد کشور به‌شمار می‌رود. هم‌اکنون این کارتل درصدد است با خرید یا ایجاد شرکت‌های معدنی و واحدهای بزرگ دیگر، انحصار و سلطه خود را هرچه بیشتر بر صنعت و بازار فولاد تحکیم و تحمیل کند.

یادداشت

تعرفه‌بندی «غیرهوشمند» و صنعت غیرکارا

نبی امیدی . کارشناس مدیریت مالی

● تأثیرگذاری و دخالت دولت‌ها در فرایند تجارت بین‌المللی، با اهداف و انگیزه‌های متعددی (امنیتی و سیاسی، اقتصادی و حمایتی، تعادل ارزی، توازن صادرات و واردات و تراز بازرگانی) انجام می‌شود. برای اعمال نقش دولت در بازرگانی خارجی، ابزارهای مختلفی از جمله تعرفه گمرکی، سهمیه‌بندی، سیاست‌های مقطعی و ملی، رفتارهای تجاری امنیتی (تحریم) و... وجود دارد. دولت‌ها معمولا در مقاطع خاص و با توجه به شرایط مختلف از ابزارهای در دست، به سود منافع ملی و ترجیحات بین‌المللی استفاده می‌کنند. مطالعه نظریه‌های تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد که تجارت آزاد به استفاده بهینه از منابع تولید جهانی منجر می‌شود که به تبع آن تولید جهانی افزایش می‌یابد. اساس این نظریه‌ها در این است که تجارت برای همه کشورها دارای منفعت است. با وجود این، در صحنه تجارت بین‌الملل، کمتر کشوری دیده می‌شود که در جریان آزاد مبادلات تجاری محدودیت‌هایی ایجاد نکند. در کشور ما تمایل به دخالت در تجارت از طریق مکانیسم تعرفه‌گذاری بیشتر از سایر ابزارهاست (البته در برخی موارد تجاربی مانند تحریم و مسائل سیاسی و امنیتی در حوزه بین‌المللی اصول تجارت خارجی کشور ما را به سمت و سوی دیگری برده است)، به‌طوری‌که یکی از دلایل بیشتر مطرح‌شده برای توجیه تعرفه‌گذاری، حمایت از صنایع داخلی است. تعرفه درواقع نوعی مالیات غیرمستقیم است که از واردات دریافت می‌شود. تعرفه باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی می‌شود که بر قیمت‌های داخلی هم تأثیر می‌گذارد. اثر تعرفه بر سطح قیمت‌های داخلی، از نکات مهم قابل‌توجه صاحب‌نظران در مطالعات حوزه بازرگانی بین‌الملل است. اکثر مطالعات انجام‌شده به همسویی تغییرات تعرفه با تغییرات سطح قیمت‌ها اشاره دارند. در کشورهای توسعه‌نیافته در یک ارتباط مثبت مستقیم، تعرفه باعث ایجاد تورم می‌شود، اما در کشورهای توسعه‌یافته (خصوصا ایالات متحده) تعرفه معمولا به تورم نخواهد انجامید. از نظر کشور وضع‌کننده تعرفه بر واردات، تعرفه‌گذاری باعث می‌شود اولا دولت‌ها از محل وصول تعرفه‌ها یک نوع درآمد عمومی قابل اتکا داشته باشند و ثانیا تولیدکنندگان داخلی منافع بیشتری را به دست بیاورند (چون قیمت تمام‌شده کالای واردشده از مکانیسم تعرفه در گمرکات، بیشتر خواهد شد). در نگاه اول گرچه این هدف و دلیل منطقی می‌نماید، اما نگاه عمیق‌تر به موضوع نشان می‌دهد تکیه غیراصولی به تعرفه می‌تواند صنایع کشورها را ناتوان کند. در یک اقتصاد سالم و منطق‌پذیر و مبتنی بر اصول علمی، برای حمایت از یک صنعت نوپا (توجه شود؛ نوپا) در مراحل اولیه سیکل عمر صنعت (یا کالا)، در مقابل واردات، تعرفه‌هایی وضع می‌شود، اما به موازات گذر از مراحل اولیه، نظام تعرفه‌بندی به صورت هوشمندانه‌ای کاهش می‌یابد. کاهش تعرفه با هدف آماده‌کردن تدریجی صنایع نوپا برای رقابت‌پذیری با محصولات سایر شرکت‌های بین‌المللی است. با افزایش عمر صنایع نوپا و فراگیرشدن آن و کسب آمادگی‌های لازم، در یک ارتباط غیرمستقیم منفی، میزان و درصد تعرفه کاهش می‌یابد تا در یک نقطه به حد صفر برسد. اگر تعرفه به این روش کاهش نیابد درواقع هم به صنعت ظلم شده است (چون اجازه رقابت‌پذیری را به آن صنعت نداده‌ایم) و هم به مصرف‌کنندگان داخلی (چون دسترسی آنان به محصولات باکیفیت بین‌المللی با قیمت مناسب‌تر را محدود کرده‌ایم). زمانی که تعرفه به صفر برسد، باز صنایع داخلی دارای مزیت سرزمینی هستند و هزینه حمل‌ونقل و نگهداری کالا و دسترسی به بازار داخلی ارزان‌تر است تا شرکت‌های خارجی. بر همین اساس و بعد از بهره‌گیری هوشمندانه از نظام تعرفه‌بندی و سپس بهره‌گیری از مزیت سرزمینی، دیگر این صنعت نوپا باید آماده ورود به بازارهای صادراتی و بین‌المللی شود. از این مرحله به بعد و در بازار بین‌المللی، افزایش کیفیت محصول، سیاست‌های صحیح مدیریتی و بازاریابی، بهره‌وری و قیمت‌گذاری رقابتی و کاهش قیمت تمام‌شده است که سهم بازار و میزان تقاضا برای محصول را مشخص خواهد کرد. به طوری که صنعت مجبور است برای ماندن در رقابت همواره سیاست‌های بهبود مستمر (کایزن) و تحقیق و توسعه (R&D) را به کار گیرد. اما قضیه در کشور ما کاملا برعکس و غیرهوشمندانه است. به‌طور نمونه، صنعت خودروسازی کشور که عمری بیش از نیم‌قرن! دارد، هم‌اکنون نیز وابسته به تعرفه است. صنعتی که در ایران زودتر از سایر کشورهای آسیایی شکل گرفت، در عمر خود نه‌تنها نتوانست به بازارهای واقعی بین‌المللی راه یابد، بلکه برای ازدست‌ندادن بازار داخلی و درون‌سرزمینی، وابسته به تعرفه‌گذاری سنگین و عجیبی است که بیش از همه باعث اجحاف به مصرف‌کنندگان داخلی شده است. تعرفه ورود خودرو نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه همواره ثابت و گاه افزایشی بوده است. در مقاطعی نیز سایر حمایت‌هایی غیراصولی از این صنعت باعث زمین‌گیرشدن آن شده است. محدودیت در واردات خودروها با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی، محدودیت‌های سوختی و... جملگی برای سرپانگه‌داشتن صنعتی است که انتظار می‌رفت هم‌اکنون و بعد از گذشت بیش از شش دهه ورود آن به ایران، یکی از صنایع کارآمد و صادراتی و پیش‌برنده سایر صنایع پایین‌دست باشد!

ادامه در صفحه۵